

آمریکا، اسرائیل و ایران در یک آرایش جنگی، تهدید به «تمام کردن کار» می‌کنند؛

منطقه در خطر «مأموریت‌های ناتمام»!



حمیدرضا مهدیزاده

هم‌زمانی هشدارهای امنیتی سفارتخانه‌های ایالات متحده به شهروندان آمریکایی در منطقه، توقّف تجارت در دو گذرگاه مرزی ایران و پاکستان و تشدید ادبیات نظامی دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو و عباس عراقچی، نگرانی‌ها درباره گسترش دوباره جنگ را عمیقاً افزایش داده است. در حالی‌که نتانیاهو از مأموریت باقی‌مانده علیه ایران سخن می‌گوید و عراقچی تأکید می‌کند **تهران نیز «کارهای نیمه‌تمام» دارد**، محدودیت‌های تجاری و **هشدارهای دیپلماتیک** این پرسش را مطرح کرده‌اند که **با توجه به تندتر شدن لحن مقامات اسرائیل و آمریکانسیبت به ایران و نیز پاسخ‌متقابل مقامات جمهوری اسلامی به آن‌ها، آیا تلاش‌های میانجی‌گران برای جلوگیری از دور تازه درگیری بی‌ثمر خواهد ماند** و منطقه باید خود را برای تشدید بحران آماده کند. خانم‌ها آقایان، به «میز سیاست خارجی توسعه‌ی ایرانی» خوش آمدید.



تهران و واشنگتن در شرایطی بار دیگر با ادبیاتی شدیداً تهدیدآمیز با یکدیگر سخن می‌گویند که نشانه‌های نگرانی امنیتی از محدوده مرزهای ایران فراتر رفته است. در ۱۸ اکتبر، دولت پاکستان تجارت با ایران از دو گذرگاه رسمی گید-ریمدان و تفتان را متوقف کرده تصمیمی که صدها خودروی باری را در دوسوی مرز گرفتار کرده و نگرانی‌هایی درباره تأمین گاز مایع و کالاهای اساسی در پاکستان به وجود آورد. هم‌زمان، گزارش‌هایی از صدور هشدارهای امنیتی برای شهروندان آمریکایی توسط وزارت خارجه ایالات متحده در کشورهای منطقه منتشر شد و نتانیاهو نیز بار دیگر از ضرورت «تمام کردن کار» علیه ایران سخن گفت.

البته، این تحولات به‌تنهایی اثبات نمی‌کنند که حمله‌ای تازه در استانه وقوع است؛ بااین حال، قرار گرفتن هر یک از این سیگنال‌ها در کنار یکدیگر، تصویری از بحرانی ارائه می‌دهد که وزن ابعا نظامی آن به مراتب سنگین‌تر از تحولات دیپلماتیکش است.

هشدارهای امنیتی: نگرانی جدی از گسترش جغرافیایی جنگ
گزارش‌های منتشرشده در ۱۸ و ۱۹ اکتبر در ادامه افزایش تحرکات نظامی آمریکا در منطقه، ناوهواپیما بر یواس اس نتودور روزولت و گروه رزمی همراه آن به سمت خاورمیانه حرکت کرده‌اند؛ هم‌زمان، ناوایی خاکی یواس اس ماکین آبلند نیز بابایر وهای تفنگدار در یایی در مسیر منطقه قرار گرفته است. مجموعه این جابه‌جایی‌ها حدود ۹ هزار ملوان و تفنگدار دریایی را شامل می‌شود و می‌تواند توان آمریکا برای اجرای عملیات هوایی و دریایی را افزایش دهد

از هشدارهای امنیتی نمایندگی‌های آمریکادر کشورهای منطقه حکایت دارند. محورا این هشدارها، احتمال تشدید سریع درگیری‌ها، تهدید علیه منافع آمریکا و اختلال احتمالی در سفرهای هوایی و فعالیت‌های منطقه‌ای بود. در برخی اطلاعیه‌ها، شهروندان آمریکایی به افزایش هوشیاری و توجه به دستورالعمل‌های امنیتی توصیه شدند.

اهمیت این هشدارها در آن است که دامنه نگرانی از تقابل مستقیم ایران و اسرائیل فراتر رفته و کشورهای میزبان نیروها و تأسیسات آمریکا و مسیرهای حیاتی حمل‌ونقل را نیز دربر گرفته است. اختلال در حریم‌های هوایی یا هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های منطقه‌ای می‌تواند پیامدهایی جدی برای سفرهای بین‌المللی، بازار انرژی و تجارت داشته باشد.

بااین حال، هشدار امنیتی فعلی را نمی‌توان معادل دستور تخلیه عمومی یا اطلاعیه‌ای درباره زمان قطعی حمله دانست. اما نگرانی‌ها وقتی بیشتر می‌شود که به گزارش اسوشیتدپرس در ۹ مهر ۱۴۰۵ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۴) توجه کنیم: در ادامه افزایش تحرکات نظامی آمریکا در منطقه، ناو هواپیما بر یواس اس نتودور روزولت و گروه رزمی همراه آن به سمت خاورمیانه حرکت کرده‌اند؛ هم‌زمان، ناو آبی‌خاکی یواس اس ماکین آبلند نیز با نیروهای تفنگدار دریایی در مسیر منطقه قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، مجموع این جابه‌جایی‌ها حدود ۹ هزار ملوان و تفنگدار دریایی را شامل می‌شود و می‌تواند توان آمریکا برای اجرای عملیات هوایی و دریایی را افزایش دهد.

هر چند مقامات نظامی جمهوری اسلامی نیز تأکید می‌کنند که پنتاگون فاصله ناو گانش با ایران را به ۷۰۰ کیلومتر افزایش داده، این روند خود نشانه آغاز فاز آرایش رزمی طرفین نسبت به یکدیگر است.

پاکستان: توقف تجارت در دو گذرگاه مهم با ایران
متأسفانه یکی از مهم‌ترین تحولات منفی اقتصادی طی روزهای اخیر در مرز شرقی ایران رخ داده است. روزنامه پاکستانی «داون» در ۱۸ اکتبر گزارش داد که وزارت بازرگانی پاکستان با صدور بخشنامه‌ای، دستور پیشبین خود در باره تجارت با ایران را با اثر فوری پس گرفته و تجارت‌شاز گذرگاه‌های گید-ریمدان و تفتان را متوقف کرده است. البته تصمیم در تشرایطی اتخاذ شد که دو کشور طی ماه‌های گذشته برای تسهیل تجارت مرزی، بهبود رویه‌های گمرکی و افزایش ساعات فعالیت گذرگاه‌ها اقداماتی انجام داده بودند. توقف تازه، صدها خودروی حامل گاز مایع، برنج، میوه و سایر کالاهای ضروری را در دوسوی مرز گرفتار کرد و فعالان اقتصادی پاکستان درباره احتمال افزایش قیمت گاز مایع و تشدید کمبود آن هشدار دادند.

«شاهد رند» مشاور رسانه‌ای دولت ایالت بلوچستان پاکستان، هدف از این محدودیت را رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی، جلوگیری از قاچاق و بهبود مدیریت مرزی اعلام کرد، اما چه کسی است که نداند میانجی اصلی مذاکرات اسلام‌آباد تحت فشار «السات بست» مرز بسته است.

البته گزارش دادن به نقل از منابع ایرانی می‌گوید تردد مسافری از گذرگاه ریمدان – گید همچنان برقرار بوده، ولی ظاهر ا ضلع شرقی از رینگ محاصره زمینی تهران توسط واشنگتن فعلاً تنگ‌تر شده و طی روزهای آینده باید به‌بینیم که اضلاع جنوبی – عراق – و شمالی – ترکیه و آذربایجان – به چه صورت عمل خواهند کرد!

ترامپ و نتانیاهو: تأکید بر مأموریتی که هنوز با یان نیافته است

دونالد ترامپ در ۱۸ اکتبر حمایت خود را از بنیامین نتانیاهو در انتخابات اسرائیل اعلام کرد و با اشاره به همکاری دو طرف در مقابله با تهران نوشت که اگر ایران به سرعت مسیر خود را تغییر ندهد، آمریکا به زودی «کار را تمام خواهد کرد». ترامپ همچنین گفت که در صورت انتخاب رهبری غیر از نتانیاهو، آمریکا ممکن است ناچار شود این مأموریت را به تنهایی پیش ببرد.

نتانیاهو نیز در واکنش به حمایت ترامپ، بر ادامه همکاری با رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد و گفت ما مورتی در ارتباط با ایران همچنان باقی مانده است که دو طرف قصد دارند آن را با همکاری یکدیگر دنبال کنند. او این موضوع را در سخنان انتخاباتی خود به ضرورت مقابله با تهدید ایران پیوند داد. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شوند که انتخابات اسرائیل در ۲۷ اکتبر برگزار می‌شود و نتانیاهو در تلاش است حمایت سیاسی خود را حفظ کند. به همین دلیل، بخشی از این مواضع را باید در چارچوب رقابت‌های داخلی اسرائیل نیز تحلیل کرد. بااین حال، پیوند مستقیم میان آینده رهبری اسرائیل و ادامه مأموریت نظامی علیه ایران، به این اظهارات ابعادی فراتر از رقابت انتخاباتی می‌دهد.

دونالد ترامپ در ۱۸ اکتبر حمایت خود را از بنیامین نتانیاهو در انتخابات اسرائیل اعلام کرد و با اشاره به همکاری دو طرف در مقابله با تهران نوشت که اگر ایران به سرعت مسیر خود را تغییر ندهد، آمریکا به زودی «کار را تمام خواهد کرد».

ترامپ همچنین گفت که در صورت انتخاب رهبری غیر از نتانیاهو، آمریکا ممکن است ناچار شود این مأموریت را به تنهایی پیش ببرد

در عین حال، نتانیاهو پیش‌تر اعلام کرده بود که از حمله پیش‌دستانه به ایران پیش از انتخابات اسرائیل حمایت نمی‌کند. این بخش آشکار مواضع او نشان می‌دهد که در کنار ادبیات تهدیدآمیز، ملاحظات مربوط به زمان‌بندی و هزینه‌های سیاسی نیز در محاسبات طرف اسرائیلی مطرح‌اند. از این رو سخنان اخیر وی را می‌توان نشانه‌ای از تداوم رویکرد تقابلی دانست.

پاسخ تند عراقچی: تهران نیز از اهداف باقی‌مانده سخن می‌گوید
«عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران، هم در واکنش به تهدیدهای ترامپ و نتانیاهو، در پیامی نوشت: «دفعه قبل که خواستید کار را تمام کنید، ایران قوی‌تر بیرون آمد. می‌خواهید دوباره شانس خود را امتحان کنید؟ بفرمایید؛ اما مراقب باشید؛ ما خود کارهای نیمه‌تمام داریم.»

این پاسخ، ادبیات تهاجمی تهران را تشدید می‌کند. عراقچی ضمن رد این تصور که فشار نظامی و اقتصادی می‌تواند ایران را به عقب‌نشینی وادار کند، به وجود اهداف و اقداماتی اشاره کرده است که از نگاه جمهوری اسلامی هنوز به پایان نرسیده‌اند. بااین حال، این عبارت به خودی خود مشخص

نمی‌کند که منظور ایران از «کارهای نیمه‌تمام» دقیقاً چیست یا چه تصمیم عملیاتی اتخاذ شده است. اما آنچه از کنار هم قرار گرفتن سخنان دو طرف به دست می‌آید، تداوم وضعیتی است که در آن هر طرف تلاش می‌کند هزینه اقدام نظامی طرف مقابل را بالا ببرد و در عین حال، از نشان دادن عقب‌نشینی علنی بهر پزیز کند. چنین وضعیتی می‌تواند تا حدودی به بازدارندگی کمک کند، اما خطر سوبرداشت و محاسبه اشتباه را نیز شدیداً افزایش می‌دهد.

نمی‌کند که منظور ایران از «کارهای نیمه‌تمام» دقیقاً چیست یا چه تصمیم عملیاتی اتخاذ شده است. اما آنچه از کنار هم قرار گرفتن سخنان دو طرف به دست می‌آید، تداوم وضعیتی است که در آن هر طرف تلاش می‌کند هزینه اقدام نظامی طرف مقابل را بالا ببرد و در عین حال، از نشان دادن عقب‌نشینی علنی بهر پزیز کند. چنین وضعیتی می‌تواند تا حدودی به بازدارندگی کمک کند، اما خطر سوبرداشت و محاسبه اشتباه را نیز شدیداً افزایش می‌دهد.

چرا دستیابی به توافق جامع دشوار تر شده است؟

مهم‌ترین مانع توافق، فاصله میان خواسته‌های دو طرف نبود ساز و کار مورد توافق برای اجرای تعهدات است. اختلافات فقط به توقف حملات محدود نمی‌شوند؛ تحریم‌ها، دارایی‌های مسدودشده ایران، محدودیت‌های دریایی، امنیت کشتیرانی و پرونده هسته‌ای نیز در محاسبات طرفین نقش دارند. گزارش‌های منتشرشده درباره پیشنهادهای ایران برای کاهش تنش، از پیوند میان موضوعاتی چون بازگشایی تنگه هرمز، رفع محدودیت‌های اقتصادی و پایان محاصره دریایی حکایت دارند. چنین موضوعاتی مستلزم توافق بر سر ترتیب اجرای تعهدات و تضمین پایبندی طرفین است؛ مسئله‌ای که بدون تفاهم سیاسی و ساز و کار راستی آزمایی، به‌سادگی حل نمی‌شود.

از سویی دیگر، مواضع علنی ترامپ و نتانیاهو بر ادامه فشار علیه ایران تأکید دارند و پاسخ عراقچی نیز نشان می‌دهد که تهران حاضر نیست تحت تهدید نظامی، پذیرش خواسته‌های طرف مقابل را اعلام کند. این تقابل، فضای لازم برای مصالحه را به نحوی

طوفان در راه است: طوفانی که هیچ‌کس نباید از وقوع آن استقبال کند. جنگ تازه میان آمریکا، اسرائیل و ایران، اگر آغاز شود، صرفاً تکرار دور دیگری از حملات و پاسخ‌های نظامی نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند منطقه را وارد چرخه‌ای از ویرانی، ناامنی و بی‌ثباتی کند که پایان و ابعاد آن قابل پیش‌بینی نیست و آتشی شعله‌ور می‌شود که دود و خاکستر آن، پیش از هر چیز، به چشم ملت‌های منطقه خواهد رفت



برای حمله‌ای این چنینی، استفاده از یک روز نمادین به‌عنوان ۱۳ آبان، که در ادبیات جمهوری اسلامی به منزله شکست خفت‌بار ایالات متحده به حساب می‌آید، برای ترامپ خیلی بعید نیست تا با نواشته‌های دیوانه‌وارش در تروث سوشال خطاب به طرفداران پروپاقرصش، که به قول خودش هر مزخرفی را از او می‌پذیرند، بگوید: اگر جیمی کارتر در طیس مقابل جمهوری اسلامی شکست خورد، من در این روز جنگی را به راه انداختم و جمهوری اسلامی را شکست دادم.

حتی‌که ۱۳ دی هم منطقی است؛ چون با توجه به اکثر نظر سنجی‌ها، جمهوری خواهان در انتخابات کنگره به دموکرات‌ها خواهند باخت؛ در مجلس نمایندگان با شدت بیشتری و در سنا تا حدودی نرم‌تر. پس طبیعی است که ترامپ با شروع جنگ جدید تا پیش از آغاز به کار کنگره، عملاً دموکرات‌ها را آچمز کند و تمرکز آن‌ها را از روی خودش بر داشته و به جبهه جنگ علیه ایران معطوف سازد.

جمع‌بندی: طوفان در راه است!

مجموع تحولات روزهای اخیر از بحرانی خوف‌آور حکایت دارد که در آن تهدیدهای نظامی، محدودیت‌های تجاری، نگرانی‌های امنیتی و بن‌بست دیپلماتی به‌صورت هم‌زمان ادامه دارند. تا زمانی که اختلافات اصلی بر سر شروط توافق پابر جاباشد و ادبیات نظامی دو طرف ادامه پیدا کند، دستیابی سریع به یک توافق جامع با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود. در چنین شرایطی، سناریوی تشدید یاز سرگیری درگیری باید به‌عنوان یک خطر جدی در محاسبات منطقه‌ای لحاظ شود.

اما آنچه در روزهای آینده اهمیت تعیین‌کننده خواهد داشت، نه صرفاً شدت اظهارات سیاسی، بلکه تحولات قابل‌راستی‌آزمایی از آرایش نظامی طرفین در منطقه، تصمیم‌های رسمی سیاسی – امنیتی، وضعیت مرزها و نشانه‌های عملی پیشرفت یا شکست کامل مذاکرات است. آری، متأسفانه طوفان در راه است؛ طوفانی که هیچ‌کس نباید از وقوع آن استقبال کند. جنگ تازه میان آمریکا، اسرائیل و ایران، اگر آغاز شود، صرفاً تکرار دور دیگری از حملات و پاسخ‌های نظامی نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند منطقه را وارد چرخه‌ای از ویرانی، ناامنی و بی‌ثباتی کند که پایان و ابعاد آن قابل پیش‌بینی نیست، و آنچه باید در اولویت‌ماند، نه آغاز جنگی دیگر، بلکه جلوگیری از شعله‌ور شدن آتشی است که دود و خاکستر آن، پیش از هر چیز، به چشم ملت‌های منطقه خواهد رفت.



و سیاسی «خونده و خواستار بر خورد قاطع قانونی و امنیتی بازنان بی حجاب شده بود. سیاحمد خاتمی امام جمعه موقت تهران نیز با اشاره به حضور زنان با پوشش اختیاری در جمععات شبانه، تأکید کرده بود که نظام حامی بی‌جایی نیست.

اکنون وقت ساختن بحران جدید نیست
پافشاری به ادامه مناقشه حجاب، اما – خاصه در شرایط کنونی که کشور و مردم تحت فشارهای گسترده و بحران‌های سخت قرار دارند – چندان منطقی به نظر نمی‌رسد و قطعاً تبعاتی خواهد داشت. نخستین و مهم‌تر پی‌امد این رویکرد نیز لطمه انسجام و وحدت ملی است که قطعاً اکنون بیش از همیشه مورد نیاز است. از سویی دیگر افزایش فاصله بین مردم و حاکمیت با اینگونه رویکرد دامحتمل خواهد بود. افزایش نارضایتی‌های اجتماعی در شرایطی که صبر مردم پیرو ناسامانی‌های اقتصادی به سر آمده، خطر مواجهه با اعتراضات و جمععات را می‌افزاید و اینجاست که نباید از تجارب گذشته و اتفاقات تلخی که در دوره‌های پیشین – پاییز ۱۴۰۱ – رخ داد، غافل بود.

منظور این گزارش حمایت از بی‌توجهی به ارزش‌های دینی نیست، حرف از اولویت بندی‌های صحیح است. در شرایطی که جامعه دلایل مختلفی برای ناراضیاتی دارد و مسئولان با بحران‌های متعددی در حوزه‌های مختلف مواجه هستند، صرف وقت و هزینه برای تشکیل کارگروه‌های مختلف یادادن تر بیون‌های رسمی و حساس به موضوعاتی که وحدت ملی را تهدید می‌کند، به جامعه این سیگنال را می‌دهد که در لایه حاکمیت و قدرت کسی به فکر حل مشکلات آنها نیست.

ادامه این رویه به‌موضوع پوشش زنان را از سطح یک اختلاف ارزشی بین گروه‌های مختلف جامعه برن و آورده به یک مسئله حکمرانی تبدیل می‌کند. هر عقل سلیمی تأیید می‌کند که مسئله تراشی در شرایط کنونی به صلاح ملک و ملت نیست. شاهد نیز اظهارات برخی نیروها و چهره‌های سیاسی از جمله لاعلمی حدادعادل که پیش‌تر گفته بوده به خاطر شرایط جنگی کشور نمی‌توان مسئله حجاب را در اولویت قرار داد.

لازم به تأکید است که دانشگاه در این میان موقعیت ویژه‌ای دارد. دانشگاه نه فقط یک مرکز آموزشی، بلکه یکی از مهم‌ترین فضا‌های شکل‌گیری بحث‌های اجتماعی و سیاسی در کشور است لذا تصمیم‌های مدیریتی آن درباره پوشش، انضباط دانشجویی و آزادی فعالیت‌های علمی، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند فراتر از محدوده دانشگاه بازتاب پیدا کند.



معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، از تدوین دستورالعملی درباره حجاب در دانشگاه‌ها خبر داده بود و گفته بود این دستورالعمل از سوی وزارت علوم و وزارت بهداشت ابلاغ خواهد شد. او در این مقطع تأکید کرده بود که قوانین موجود درباره حجاب مناسب‌اند و باید بار دیگر مورد توجه قرار گیرند. در ادامه این روند، وزارت علوم دستورالعملی با عنوان «راستگنی، اخلاق و منش دانشگاهی» به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد. در متن منتشرشده از این دستورالعمل، پوشش متناسب با فرهنگ ایرانی ـاسلامی و ششون دانشگاهی برای زنان و مردان مورد تأکید قرار گرفته است.

محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عالی کشور نیز در جلسه هیئت عمومی این نهاد در ۱۴ مهر از دستورالعمل وزارت علوم انتقاد کرد و گفت در آن، حجاب و رعایت ششونات اسلامی به‌صراحت بیان نشده است. او این وضعیت را زینبده جامعه اسلامی ندانست. این اظهار نظر نشان داد که حتی پس از ابلاغ دستورالعمل جدید، اختلاف بر سر میزان صراحت و چگونگی اجرای مقررات پایان نیافته است.

بازگشت حجاب به تربیون‌های رسمی
موضوع حجاب در هفته‌های اخیر تنها در وزارت علوم و دستگاه قضایی مطرح نبوده است. انمه جمعه نیز در سخنان خود بر ضرورت رعایت حجاب و مسئولیت حاکمیت در ترویج سبک زندگی مورد تأیید نظام تأکید کرده‌اند.

محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، خطیب جمعه تهران، «زیست عقیقانه» را از مسئولیت‌های عمومی و وظایف حاکمیت دانسته و یک رسانه‌ها دانشگاهیان، علما و تنخبران خواسته بود که در ترویج سبک زندگی مورد نظر حاکمیت و حمایت از خانواده نقش‌آفرینی کنند. محمدسعیدی، امام جمعه قم، «کشف حجاب» را «حرام شرعی

صرف استفاده از واژه گفت‌وگو را به معنای کنار گذاشتن بر خورد دانست.

بااین حال، نفس انتخاب این روش نشان می‌دهد که مدیریت دانشگاه دست کم در مسلخ اعلام‌شده، به دنبال برهیزر از چارخ‌فوری همه‌موارد به‌شورای انضباطی است. این رویکرد دامطالبه جریان‌هایی که بر خورد قاطع و بی‌ملاحظه را خواستار ند، یکسان نیست و در ست در همین فاصله است که موضوع حجاب از یک مسئله دانشگاهی فراتر می‌رود و به نزاعی درباره سیاست فرهنگی دولت تبدیل می‌شود.

دانشگاه با محل تربیت نیروی همسو؟
روزنامه کیهان در تیتربیک‌امروز خود با عنوان «قای پزشکشان ادر وزارت علوم چه خیراست؟» به‌صراحت به دولت و وزارت علوم حمله کرده است. محور این گزارش فقط حجاب نیست؛ کیهان موضوع پوشش دانشجویان را در کنار انتقاد از حضور برخی استادان، روند جذب‌اعضای هیئت‌علمی و آنچه چشم‌پوشی از صلاحیت‌های دینی و انقلابی می‌خواند، قرار داده و از دولت خواسته است تا آنچه رفتارهای تهدیدکننده هیئت دانشگاهی‌م‌اند، بر خورد قاطع‌تری کند.

اهمیت این موضع در آن است که کیهان مناقشه بر سر حجاب را بخشی از بحث بزرگ‌تری درباره ترکیب نیروی انسانی دانشگاه و حدود آزادی عمل وزارت علوم می‌داند. در این نگاه، دانشگاه فقط محل آموزش و پژوهش نیست؛ نهاده‌ای است که باید در تربیت مدیران آینده حفظ ارزش‌های رسمی نظام نیز نقش مشخصی داشته باشد. از همین رو، حضور استادی که دیدگاه‌هایش با معیارهای سیاسی و اعتقادی مورد قبول این جریان همخوان نیست، در کنار مسئله پوشش دانشجویان قرار می‌گیرد. وقتی همه این مسائل ذیل عنوان کلی تهدید هویت دانشگاه قرار می‌گیرند، خطر آن وجود دارد که اختلاف نظر سیاسی یا فرهنگی نیز به مسئله‌ای انضباطی و امنیتی تبدیل شود.

اینکه کیهان چنین موضوعی را مستقیماً با نام پزشکشان مطرح می‌کند، معنای سیاسی مشخصی دارد و نشان می‌دهد که دولت هم‌زمان با اینکه به خاطر شرایط نیمه جنگی تحت فشار بین‌المللی است، به خاطر مشکلات اقتصادی و معیشتی تحت فشار افکار عمومی و جامعه هم به خاطر موضوعات فرهنگی از جمله مسئله پوشش زنان نیز تحت فشار طیف رادیکال قرار دارد.

از دستورالعمل وزارت علوم تا انتقاد رئیس دیوان عالی
لازم به ذکر است که کارگروه دانشگاه تهران به‌صورت یکباره و در خلأ تشکیل نشده است. چند هفته پیش از آن، معید گرمی،

از کارگروه محرمانه دانشگاه تهران تا فشار همه‌جانبه بر پزشکشان؛

بازگشت مناقشه حجاب در اوج بحران



برای رسیدگی به موضوع پوشش دانشجویان خبر داده است؛ کارگروهی که بنا بر توضیحات او، از حدود پنج تا شش ماه پیش فعالیت خود را آغاز کرده و قرار است پیش از ار جاع موارد به ششورای انضباطی، از طریق گفت‌وگو با دانشجویان مسائل را حل وفصل کند.

در نگاه اول، چنین ساز و کار می‌توان تلاشی برای فاصله گرفتن از برخورد‌های علنی و بهر هزینه و جایگزین کردن گفت‌وگو با ر جاع مستقیم به کمیته‌های انضباطی دانست. اما همین خبر یک پرسش مهم را پیش می‌کشد: چرا مسئله پوشش دانشجویان باید در قالب یک کارگروه محرمانه و پیش از هر چیز با دعوت از افراد پیگیری شود؟ آیا قرار است اختلاف بر سر پوشش به مسئله‌ای آموزشی و فرهنگی تبدیل شود یا دانشگاه می‌خواهد با روشی که سروصداتر همان سیاست کنترلی را ادامه دهد؟

پاسخ به این پرسش به جزئیاتی بستگی دارد که هنوز روشن نشده است؛ از جمله اینکه معیار تشخیص تخلف چیست، چه کسانی در کارگروه حضور دارند، دانشجو تا چه اندازه حق دفاع و اعتراض دارد و آیا گفت‌وگو واقعاً اختیاری است یا پذیرفتن دعوت می‌تواند پیامد انضباطی داشته باشد. تا زمانی که این جزئیات اعلام نشود، نمی‌توان

در شرایطی که فشار اقتصادی و نگرانی از بازگشت جنگ، جامعه را درگیر کرده، حجاب بار دیگر به محور مناقشه سیاسی تبدیل شده است، از تشکیل کارگروه حجاب در دانشگاه تهران تا حمله کیهان به پزشکشان و مطالبه بر خورد قاطع از سوی برخی انمه جمعه، پرسش اینجاست که چرا در چنین وضعیتی، به‌جای کاهش تنش‌های اجتماعی، آتش یک مناقشه قدیمی دوباره شعله‌ور می‌شود؟

به گزارش رویداد ۲۴، تشکیل کارگروه حجاب در دانشگاه تهران، آن هم در روز‌هایی که نگرانی از بازگشت جنگ، فشار معیشتی و بالاکلیفی اقتصادی بر زندگی مردم سایه انداخته، نشان داد که سیاست‌گذاری درباره پوشش زنان حتی در این وضعیت پر بحران نیز محل منازعه سیاسی است. شاهد این مدعا حمله تند‌ی است که روزنامه اصولگرای کیهان در شمار ه امروز خود به مسعود پزشکشان و وزارت علوم کرده است. در روز‌های گذشته نیز شاهد بودیم که برخی مقام‌های قضایی و مذهبی از تربیون‌های مختلف خواهان بر خورد صریح تر با آنچه بی‌توجهی به حجاب می‌خوانند، شده‌اند.

کارگروه حجاب چیست و چه کار کردی دارد؟
محمدحسین امیدر، رئیس دانشگاه تهران، از تشکیل کارگروهی